

الدراسات الفقيهية المقارنة

سنة الثاني، رقم الرابع، الخريف والسَّنة ١٤٠١ ش

10.22034/FIQH.2023.366892.1110

الحكم الفقهي على الارتزاق واخذ الأجرة في إحياء الشعائر الدينية من وجهة نظر الفقه

على فارسي مدان^١

على توكلی^٢

[تاريخ الاستلام: ١٤٠١/٠٨/٠١؛ تاريخ القبول: ١٤٠١/١٠/٠٣ هـ ش]

المستخلص

شعائر جمع الشعيرة وفي اللغة بمعنى العلامة. الشعائر الدينية في الكلام الإلهي منصرف الى مناسك الحج، لكن في هذا البحث هو أي مكان وعلامة للعبادة وتذكر الانسان بالله. بناء على ذلك، يتدارس المؤلفون الأمثلة الثلاثة يعنى المؤذن، وإمام الجماعة ومعلم القرآن، ويحاولون الإجابة على السؤال بطريقة وصفية وتحليلية ما هو الحكم الفقهي على الارتزاق واخذ الأجرة في إحياء الشعائر الدينية من وجهة نظر المذاهب الفقهية. نظرا الى ادلة المذاهب الفقهية، قد اجمع الفقهاء على حرمة اخذ الأجرة الامام وجواز ارتزاقه من بيت المال ويؤمن معظم فقهاء الإمامية بهذا الرأي. قد تكون أربعة أقوال مختلفة في فتاوى العامة في هذا الموضوع، فلا قول مشهور بينها ولا ذكر لبيت المال فيها لأن مصدرها المالي يعتبر تبرعات الناس. الفقهاء الإمامية بالنسبة الى معلمي القرآن، اعتبروا أنه من الكراهة الحصول على راتب، واعتبروا أنه يجوز لهم الكسب من بيت المال. في منابع العامة وكتبها أخذ الأجرة لتعليم القرآن جائز وسائر الأقوال ضعيفة.

كلمات المفتاحية: الشعائر الدينية، المذاهب الفقهية، الارتزاق، الأجرة، بيت المال.

١. أستاذ مشارك قسم القانون والفقه المقارن، جامعة الأديان والمذاهب، قم، إيران (المؤلف المسؤل)

alifarsimadan98@gmail.com

٢. طالب دكتوراه في المذاهب الفقهية، جامعة الأديان والمذاهب، قم، إيران golhayebesht16@yahoo.com

حکم فقهی ارتزاق و اخذ اجرت در احیای شعائر دینی از منظر مذاهب فقهی

علی فارسی مدان^۱

علی توکلی^۲

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۳]

چکیده

شعائر جمع شعیره در لغت به معنای علامت است. شعائر دینی در کلام الهی انصراف به مناسک حج دارد، اما در این تحقیق، هر مکان و علامتی است که برای عبادت باشد و انسان را به یاد خدا بیندازد. بر این اساس، نگارندگان سه مصداق آن، یعنی مؤذن، امام جماعت و معلم قرآن، را بررسی می‌کنند و درصد هستند با روش توصیفی و تحلیلی به این سؤال پاسخ دهند که حکم فقهی ارتزاق و اخذ اجرت در احیای شعائر دینی از منظر مذاهب فقهی چیست. با توجه به ادله مذاهب فقهی، بر حرمت اخذ اجرت و جواز ارتزاق از بیت‌المال برای مؤذن اجماع وجود دارد. بیشتر فقهای امامیه قائل به حرمت اخذ اجرت برای امام جماعت هستند و منبع ارتزاق آن را بیت‌المال دانسته‌اند. در فتوای اهل سنت، درباره اخذ اجرت چهار قول متفاوت نقل شده، قول مشهوری وجود ندارد و اشاره‌ای به بیت‌المال نشده است؛ زیرا منبع مالی آن را کمک‌های مالی مردم می‌دانند. فقهای امامیه در مورد معلم قرآن، قائل به کراهت اخذ اجرت شده‌اند و ارتزاق از بیت‌المال را برای ایشان جایز دانسته‌اند. در منابع فقهی اهل سنت، اخذ اجرت برای تعلیم قرآن جایز است و اقوال دیگر آن ضعیف‌اند.

کلیدواژه‌ها: شعائر دینی، مذاهب فقهی، ارتزاق، اجرت، بیت‌المال.

۱. استادیار گروه حقوق و فقه مقارن، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول)

alifarsimadan98@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری مذاهب فقهی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. golhayebesht16@yahoo.com

۱. مقدمه

از مباحثی که قرآن کریم به آن نگاهی ویژه دارد، تعظیم و بزرگداشت شعائر اسلامی است: «ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج: ۳۲). تعظیم شعائر دینی چنان مهم و ارزشمند است که نشان دهنده تقوای قلبی است؛ بر این اساس، شعائر خدا به معنای دین خدا و تعظیم آن به معنای التزام به آن است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۳۳/۷). از آنجا که شعائر دینی مربوط به مسائل اجتماعی است، ضرورت دارد به حکم فقهی آن نیز توجه شود. در آموزه‌های قرآنی، شعائر و حدود الهی را باید محترم شمرد و از مخالفت با آنها پرهیز کرد: «لَا تُجَلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ» (مائده: ۲)؛ بنابراین توهین به شعائر دینی حرام است، یعنی مواردی که جزء شعائر الهی شمرده می‌شوند را باید حفظ کرد و برای تقویت و احیای آنها کوشید. حتی در کلمات فقها به وجوب تعظیم شعائر الهی اشاره شده است؛ برای مثال نراقی در عوائد الأيام آورده که در کتب فقها به وجوب تعظیم شعائر الهی بسیار تمسک شده است (نراقی، ۱۴۱۷: ۲۳).

یکی از راه‌های حفظ و احیای شعائر دینی، تقویت آنها با پشتیبانی مالی است. حاکم و دولت‌های اسلامی در این خصوص نقشی مهم و مؤثر دارند؛ چنانکه هر دولتی در نظام مالی، بخشی از بودجه خود را صرف مسائل دینی و فرهنگی می‌کند. این بودجه‌های فرهنگی که از بیت‌المال تأمین می‌شوند، در جهت مصالح مسلمانان به مصرف می‌رسند.

در قرآن کریم شعائر دینی دارای معنای خاصی است. مفسران آن را به معنای انجام مناسک حج گرفته‌اند (رک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۳۳/۷)، اما منظور از شعائر دینی در این پژوهش، هر مکان و علامتی است که خدا آن را برای عبادت قرار داده باشد و انسان را به یاد خدا بیندازد. بنابراین پژوهش حاضر در صدد است با روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به دست آورد که از منظر مذاهب فقهی، حکم فقهی ارتزاق و اخذ اجرت در احیای شعائر دینی چیست. پژوهش بر آن است تا از میان شعائر دینی فقط سه مصداق آن، یعنی مؤذن، امام جماعت و معلم قرآن، را بررسی کند، از این رو به سه سؤال پاسخ خواهد داد:

۱. رزق مؤذن چگونه تأمین می‌شود؟

۲. آیا معلم قرآن می‌تواند از بیت‌المال استفاده کند؟

۳. حکم ارتزاق امام جماعت از بیت‌المال چیست؟

اندیشمندان علوم اسلامی تاکنون به صورت مستقل این مسئله را بررسی نکرده‌اند، بلکه در ذیل مباحث و عناوین فقهی دیگر به برخی از مباحث آن اشاره کرده‌اند، مثلاً در مورد منابع بیت‌المال در ذیل مباحثی چون خمس، زکات به آن اشاره شده است. همچنین فقها در مورد مصارف بیت‌المال، در ذیل بحث قاضی و مؤذن به اجمال به آن اشاره کرده‌اند (شهید اول، ۱۴۱۰: ۸۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۷۱/۳؛ محقق حلی، ۱۴۱۸: ۲/۲۹۸). درباره یکی از مباحث نزدیک با این پژوهش، یعنی «حرمت اخذ اجرت بر واجبات»، نگارش‌هایی صورت گرفته که می‌توان این مواردی را نام برد: «بررسی اسناد قرآنی و روایی قاعده حرمت اخذ اجرت بر واجبات»، شیخی، مجیدرضا؛ جهانگیری، محسن؛ سلطانی، عباس علی؛ مجله فقه و اصول، پاییز ۱۳۹۳؛ شماره ۹۸؛ «بررسی اشکال تخصیص ناپذیری قاعده حرمت اخذ اجرت بر واجبات»، فخلعی، محمدتقی؛ شیخی، مجیدرضا؛ مجله آموزه‌های فقه مدنی، پاییز و زمستان ۱۳۹۰؛ شماره ۴؛ «قاعده حرمت اخذ اجرت و واجبات»، چوپان پسندآباد، محمد؛ مجله مطالعات اسلامی؛ پاییز و زمستان ۱۳۷۶؛ شماره ۳۷ و ۳۸. چنانکه روشن است، پژوهش حاضر وارد موضوع فقهی «حرمت اخذ اجرت بر واجبات» نشده است. نوآوری پژوهش پیش‌رو آن است که در مطالعه‌ای تطبیقی در فقه مقارن، آرای اهل سنت را منعکس کرده است.

۲. مفهوم‌شناسی

۱. شعائر

شعائر جمع شعیره و به معنای علامت است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۵۱/۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴/۴۱۳). مفسران ذیل شریفه «و من يعظم شعائر الله فإنها من تقوى القلوب» (حج: ۳۲) تفسیر خود از شعائر

را ارائه کرده‌اند. طبرسی شعائر را به معنای محلی که برای عبادت معین شده و نیز علامت عبادت دانسته است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۳۳/۷). علامه طباطبایی شعائر را به معنای علامت ذکر کرده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۸۵/۱)؛ بنابراین مفسران شعائر را به معنای نشانه و شعائر الله را به معنای نشانه‌های برجسته دین خدا بیان کرده‌اند (رک: هویدی بغدادی، بی تا: ۳۳۶؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۳۹۱/۴؛ میبدی، ۱۳۷۱: ۳۹۱/۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۳۳/۷). در این تحقیق منظور از شعائر دینی صرف معنای مناسک حج (رک: طوسی، بی تا، ۳۱۳/۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۳۳/۷؛ حقی بروسوی، بی تا: ۳۳/۶؛ ابن عاشور، بی تا: ۱۸۵/۱۷) نیست، بلکه مقصود هر مکان و علامتی است که خدا برای عبادت قرار داده باشد و انسان را به یاد خدا بیندازد. این معنای عام برگرفته از کلمات و عبارات فقها است. شهید ثانی در الروضة البهیه قائل است که اظهار شعائر اسلامی شامل اذان، نماز، روزه و هر چیزی است که علامت و نشانه دین خدا باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۳۸۳/۲)؛ بنابراین تعظیم شعائر که از تقوای قلب نشئت می‌گیرد به شعائر حج اختصاص ندارد، بلکه همه عبادات و مراکز عبادی، مانند مساجد و مشاهد انبیا و اولیای معصوم نیز شعائر الهی هستند (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳۸/۸). بر این اساس، احترام معلم قرآن که افراد را به عبادت بزرگ یعنی تعلیم و قرائت قرآن دعوت می‌کند و امام جماعت که آئینه‌انگیزه دعوت به خدا و اقامه‌کننده نماز جماعت است، جزء تعظیم شعائر الهی محسوب می‌شود. برای نمونه، کاشف الغطاء به فتحعلی شاه قاجار توصیه می‌کند که شعائر اسلامی را اقامه کند و بر این اساس مؤذن‌هایی را برگزیند و ائمه جماعات را در لشکر اسلام قرار دهد (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲: ۳۳۵/۴). خلاصه آنکه اگر شعائر در برخی آیات برای مصداق خاصی مانند حج به کار رفته، به آن معنا نیست که شعائر به معنای حج باشد، بلکه از باب تطبیق است؛ زیرا استعمال یک واژه عام و اراده فرد خاصی از آن مانعی ندارد (علی‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۶۵)؛ چنانکه بسیاری از مفسران شعائر الله را به «معالم دین الله؛ نشانه‌های برجسته دین خدا» معنا کرده‌اند (هویدی، بی تا: ۳۳۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۳۳/۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۷۳/۱۴).

۲. ارتزاق

ارتزاق در لغت به معنای روزی یافتن و روزی جستن است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۶۲۴/۵) و در اصطلاح مالی است که فرد مستحق از بیت المال می‌گیرد، خواه از کارگزاران حکومت باشد یا از غیر آنان (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶: ۳۴۳/۱). در کلمات فقها فرق ارتزاق و اجرت تبیین شده است. ارتزاق در قبال کار و عمل نیست، اما اجرت در برابر عمل داده می‌شود (شهید اول، بی تا: ۱۲۶/۲). در عقد اجاره باید مدت اجاره، مقدار اجرت و نوع عمل معلوم باشد، اما در رزق، روزی به مقدار نیاز کارگزار و بر حسب تشخیص امام و حاکم شرع داده می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۸۶/۱). ارتزاق در مصالح به ترتیب اولویت صرف می‌شود، اما اجرت این گونه نیست (شهید اول، بی تا: ۱۲۶/۲). بنابراین، اجرت برای اجیر در برابر عمل وی داده می‌شود، اما رزق آن است که جهت احسان و بزرگداشت آن شخص یا تشویق و ترغیب وی بر انجام کاری که استحقاقش را دارد، پرداخت می‌شود. البته این استحقاق یا به دلیل فقر و نیازمندی است یا به جهت انجام اموری که وی را از کسب و کار بازمی‌دارد؛ به هر صورت، این اعطای مال در قبال کار او نیست.

۳. حکم فقهی ارتزاق و اخذ اجرت در احیای شعائر دینی

پس از روشن شدن منظور از شعائر اسلامی در مقاله، باید ببینیم حکم فقهی ارتزاق و طلب اجرت معلم، مؤذن و امام جماعت چیست و در مذاهب فقهی کدام منبع مالی را برای ارتزاق این افراد تعیین شده است.

۳-۱. مؤذن

با توجه به تفاوت معنایی ارتزاق و اجرت، فقهای مذاهب اسلامی نظرات مختلفی در مورد مؤذن مطرح کرده‌اند.

الف) کراهت طلب اجرت

فقه‌های امامیه

برخی از فقه‌های امامیه اخذ اجرت را مکروه می‌دانند (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷: ۱۳۴/۲؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹: ۲۲۳/۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۲۹: ۳۸۲/۲). مستند آنان روایتی است که اخذ اجرت برای مؤذن را جایز نمی‌داند (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۴۷/۵)؛ دلیل کراهت نیز ضعف سند روایت است (موسوی عاملی، ۱۴۱۱: ۲۷۶/۳؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۳۵۰/۷).

فقه‌های اهل سنت

برخی از فقه‌های اهل سنت، از جمله شافعی، قائل به کراهت هستند (مغربی، ۱۴۲۶: ۴۱۶/۱). حتی ادعا شده حکم کراهت، مذهب اکثر فقها است (القاری، ۱۴۲۲: ۳۴۱/۲)؛ زیرا برای مؤذن کراهت دارد که برای اذان گفتن که کاری تبرعی است، طلب اجرت کند. همچنین منفعت آن مانند ساختن مساجد برای دیگران است، چنانکه مؤذن جانشین پیامبر در دعا کردن و امامت است و با توجه به آیه شریفه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری: ۲۳) کراهت دارد که مؤذن اجرت بگیرد (سرخسی، ۱۴۲۲: ۱۴۲/۱).

قائلان به کراهت طلب اجرت برای اذان گفتن به روایات نیز استناد کرده‌اند. ترمذی با نقل روایتی از عثمان بن عاص که طبق آن، پیامبر (ص) در آخر عمر خویش عهد کردند که مؤذن برای گفتن اذان اجرت دریافت نکنند، حکم به کراهت داده است (ترمذی، ۱۴۱۹: ۴۰۳/۱). این روایت در منابع دیگر نیز با اندکی تفاوت نقل شده است (بیهقی، ۱۴۳۱: ۲۰۵/۲؛ سیوطی، ۱۳۴۸: ۲۳/۲). در روایتی دیگر نقل شده که فردی به خلیفه دوم گفت: «من تو را به خاطر خدا دوست دارم». خلیفه پاسخ داد: «من به خاطر خدا بعض تو را دارم؛ زیرا به من خبر رسیده که تو برای اذان گفتن اجرت می‌گیری (سرخسی، ۱۴۲۲: ۱۴۲/۱). بنابراین کراهت دارد مؤذن برای اذن اجرت طلب کند (شوکانی، ۱۴۱۹: ۵۵۹/۱).

ب) حرمت طلب اجرت

فقه‌های امامیه

اکثر فقهای امامی قائل به حرمت اخذ اجرت شده‌اند (محقق کرکی، ۱۴۱۴: ۱۷۷/۲؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۲۹۰/۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۴: ۱۴۸/۱۲). این فتوا مطابق با قول مشهور است و در آن اجماع وجود دارد (حکیم، ۱۴۱۶: ۶۱۳/۵). البته بحرانی با قول به تفصیل، اخذ اجرت را برای اذانِ اعلام حرام دانسته است (بحرانی، بی‌تا: ۶۶/۱۱). مستند و دلیل حکم حرمت، روایت امام علی (ع) است که فرمود: «هرگز مؤذنی انتخاب نکن که برای گفتن اذان مزد و اجرت بگیرد» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۴۷/۵). اجماع (عاملی، ۱۴۱۹: ۴۴۴/۶؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۳۶۸/۳) و دلیل عقلی (سبزواری، ۱۴۱۳: ۹۶/۶) دیگر دلایل این حکم هستند. سبزواری در تبیین دلیل عقلی می‌گوید که اذان، مانند نماز، از تکالیفی است که باید خود افراد انجام دهند؛ زیرا دعوت به سوی خداوند است و اخذ اجرت برای آن با قصد قربت منافات دارد. البته به این کلام خدشه وارد شده که این منافات با حکم عقلی و ادله نقلی ثابت نشده است (سبزواری، ۱۴۱۳: ۹۶/۶).

فقه‌های اهل سنت

فقه‌های اهل سنت نیز حکم به حرمت اخذ اجرت برای اذان داده‌اند. زحیلی نقل کرده که حکم حرمت فتوای حنفی و حنبلی‌ها است و برای آن ادعای اجماع شده است؛ زیرا انسان (در اذان و اقامه و نماز) در حال تحصیل اطاعت و فرمانبرداری خداوند است و نباید اجرت دریافت کند (الزحیلی، ۱۴۳۱: ۶۰۶/۱). ابوحنیفه، شوکانی، اوزعی و کاسانی نیز حکم به حرمت و نهی اخذ جرت برای اذان داده‌اند (شوکانی، ۱۴۱۹: ۵۵۹/۱؛ الکاسانی، ۱۴۱۷: ۲۲۶/۱؛ الزحیلی، ۱۴۳۱: ۶۰۶/۱).

مستند فتوا روایت نبوی است که از انتخاب مؤذنی که اجرت دریافت کند، نهی کرده است (رک: ابوداود، ۱۴۲۰/۱:۲۶۰؛ نسائی، ۱۴۱۱/۱:۵۰۹؛ بیهقی، ۱۴۳۱/۲:۲۰۵؛ سیوطی، ۱۳۴۸/۲:۲۳). روایت دیگر، روایت خلیفه دوم (سرخسی، ۱۴۲۲/۱:۱۴۲؛ با اندکی تفاوت: شوکانی، ۱۴۱۹/۱:۵۵۹) است. ابن مسعود نیز گفته که برای چهار چیز، از جمله اذان، نباید اجرت گرفت (شوکانی، ۱۴۱۹/۱:۵۵۹)؛ بنابراین در بحث حرمت اجرت می‌توان به روایت امام علی (ع) و روایت اهل سنت به عنوان مؤید استناد کرد.

ج) جواز طلب اجرت

در میان فقهای امامیه کسی قائل به جواز اخذ اجرت برای اذان گفتن نشده است، اما برخی از اهل سنت قائل به جواز آن شده‌اند که می‌توان به مالکی، شافعی، ابن عربی، امام مهدی و رافعی اشاره کرد (رک: الزحیلی، ۱۴۳۱/۱:۶۰۶؛ شوکانی، ۱۴۱۹/۱:۵۵۹؛ مغربی، ۱۴۲۶/۱:۴۱۶). قائلان به جواز معتقدند که اذان یک عمل معلوم و مشخص است که مانند سایر اعمال، جایز است برای آن اجرت گرفت. همچنین با توجه به بحث اجاره، اجرت گرفتن در اعمال دینی جایز است (الزحیلی، ۱۴۳۱/۱:۶۰۶). البته اجرت مؤذن با خلیفه و حاکم است (شوکانی، ۱۴۱۹/۱:۵۵۹).

د) تفصیل

یکی دیگر از اقوال در این بحث، قول به تفصیل است که در میان فقهای اهل سنت به دو حالت بیان شده است. این نظر را نخست مغربی در البدر التمام آورده و گفته که برای امام و کسی که امام او را مشخص کرده، اخذ اجرت برای اذان گفتن جایز است، اما برای دیگران جایز نیست (مغربی، ۱۴۲۶/۱:۴۱۶). ابوحنیفه تفصیل را چنین بیان کرده که اخذ اجرت برای اذانی که به قصد اعلام وقت باشد، جایز است (العمرائی الشافعی، ۱۴۲۸/۲:۱۸۹).

هـ) جواز ارتزاق از بیت‌المال

با توجه به اینکه فقهای شیعه اتفاق نظر دارند که گرفتن اجرت برای مؤذن حرام است (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۹۰/۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۴: ۱۴۸/۱۲)، این سؤال مطرح می‌شود که ارتزاق مؤذن چگونه است.

فقهای امامیه

فقهای امامیه حکم به جواز ارتزاق مؤذن از بیت‌المال داده‌اند (رک: طوسی، ۱۴۰۷ الف؛ ۲۹۰/۱؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴: ۳۶/۴؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹: ۳۱۳/۱۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۵۶/۳). علامه حلی در کتاب‌هایش این حکم را پذیرفته است (علامه حلی، ۱۴۱۱: ۹۴؛ ۱۴۲۰: ۲۶۵/۲؛ ۱۴۱۴: ۸۱/۳ و ۱۴۸/۱۲؛ ۱۴۱۳: ۱۰/۲؛ ۱۴۱۲: ۱۴۱۴/۱۵؛ ۱۴۱۹: ۴۷۴/۲). محقق حلی نیز ارتزاق مؤذن از بیت‌المال را جایز می‌داند (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۶۱/۴؛ ۶۲). صاحب جواهر با تأیید نظر مشهور، معتقد است که ارتزاق مؤذن از بیت‌المال جایز است و هیچ اختلاف و تردیدی در آن نیست (نجفی، ۱۴۰۴: ۷۳/۹).

دلیل این حکم اجماع است که با تعابیر مختلف بیان شده است (رک: طوسی، ۱۴۰۷ الف؛ ۲۹۱/۱؛ اردبیلی، ۱۴۰۳: ۹۲/۸؛ حلی، ۱۴۱۴: ۸۱/۳؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹: ۴۴۸/۶، ۴۴۹). بنابراین امام (حاکم شرع) هزینه مؤذن را از بیت‌المال می‌پردازد (علامه حلی، ۱۴۱۴: ۸۲/۳؛ زیرا بیت‌المال برای مصالح مسلمین است و این از موارد آن است که مصلحت اقتضا می‌کند از بیت‌المال ارتزاق کند (رک: حسینی عاملی، ۱۴۱۹: ۳۱۸/۱۲؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱: ۲۷۷/۳؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۳۵۱/۷). به باور شهید اول، امام از مال خودش پرداخت می‌کند (شهید اول، ۱۴۱۹: ۲۲۳/۳). البته روشن است که امام و حاکم شرع با توجه به جایگاه حقوقی خودش، این مال را از بیت‌المال می‌پردازد. شهید ثانی نیز می‌گوید، از سهم سبیل الله (زکات) پرداخت می‌شود (همان، ۴۴۹/۶).

فقه‌های اهل سنت

باتتبع و مراجعه به منابع اهل سنت نکاتی به دست می‌آید:

نخست: ارتزاق مؤذن از بیت‌المال جایز است. ابن حجر معتقد است اگر فردی پیدا شود که بدون دریافت پول اذان بگوید، باید چنین کرد وگرنه از بیت‌المال به او داده می‌شود (القاری، ۱۴۲۲: ۳۴۱/۲). الزحیلی در موسوعة الفقه الاسلامی ادعا کرده، مالکی و شافعی نیز قائل اند که از بیت‌المال پرداخت می‌شود (الزحیلی، ۱۴۳۱: ۶۰۶/۱).

دوم: منابع و بودجه‌ای برای آن بیان شده است. شافعی می‌گوید یک پنجم از سهم پیامبر (ص) به مؤذن داده می‌شود (شافعی، ۱۴۲۶: ۲۴۱/۱؛ شوکانی، ۱۴۱۹: ۵۵۹/۱) و نباید از منابع دیگر مانند فیء (شافعی، ۱۴۲۶: ۲۴۱/۱) و صدقه (همان؛ المزنی، ۱۴۲۵: ۲۵) داد؛ زیرا این سهم برای مصالح مسلمین است (القاری، ۱۴۲۲: ۳۴۱/۲). علت استفاده نکردن از صدقه آن است که باید عزت مؤذن حفظ شود. البته در نقد بخشی از این کلام می‌توان گفت که از بیت‌المال پرداخت می‌شود، نه از صدقات و خمس؛ زیرا بیت‌المال برای استفاده مصالح مسلمین است، اما خمس و صدقات برای افراد مشخص از مؤمنان (طوسی، ۱۳۸۷: ۹۸/۱؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹: ۲۲۳/۳). بنابراین ادعای الزحیلی، حنبلی‌ها معتقدند که اگر فردی پیدا نشود که بدون اجرت اذان بگوید، از مال فیء به مؤذن داده می‌شود؛ زیرا این اموال برای مصالح عامه مردم است (الزحیلی، ۱۴۳۱: ۶۰۶/۱). البته در قولی وارد شده که بدون هیچ شرطی و از هر مالی پرداخت می‌شود، زیرا از باب نیکی و احسان است (الکاسانی، ۱۴۱۷: ۲۲۶/۱).

سوم: پرداخت هزینه برای مؤذن با خلیفه و حاکم است (شوکانی، ۱۴۱۹: ۵۵۹/۱). عمرانی شافعی قائل است که امام از سهم مصالح مردم به مؤذن پرداخت می‌کند (العمرانی الشافعی، ۱۴۲۸: ۸۹/۲).

در برخی منابع شیعی (رک: علامه حلی، ۱۴۱۳: ۲۶۵/۱؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴: ۱۷۷/۲؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۳۶۹/۳) و اهل سنت (رک: الزحیلی، ۱۴۳۱: ۶۰۶/۱؛ المزنی، ۱۴۲۵: ۲۵؛ شوکانی، ۱۴۱۹: ۵۵۹/۱؛ القاری، ۱۴۲۲: ۳۴۱/۲) قید «عدم المتطوع» ذکر شده است، یعنی در صورتی ارتزاق از بیت المال برای مؤذن جایز است که داوطلبی برای گفتن اذان، بدون دریافت پول وجود نداشته باشد. با وجود داوطلب نمی‌توان از بیت المال چیزی به مؤذن پرداخت؛ زیرا آن غرض در جهت مصلحت عامه ایفاد شده است (حسینی عاملی، ۱۴۱۹: ۲۲۳/۳). شافعی نیز قائل است مؤذن نباید از این راه ارتزاق کند، بلکه به صورت داوطلب و بدون دریافت پول اذان بگوید (شافعی، ۱۴۲۶: ۲۴۱/۱). بنابراین اگر فردی داوطلب نباشد، باید به مؤذن از بیت المال بخشید؛ چون این مورد از مصالحی است که باید از بیت المال تأمین شود. شهید ثانی معتقد است اذان گفتن از مصالح دینی است و مؤذن باید از محل بیت المال ارتزاق کند (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳۵۰/۱۳).

اشتহারدی می‌گوید هیچ مشکلی در ارتزاق مؤذن از بیت المال وجود ندارد. بیت المال برای مصالح اسلام یا مسلمین آماده شده است و این مصلحت در اذان مطلقاً وجود دارد؛ زیرا اذان باعث می‌شود مسلمین از دخول وقت نماز اطلاع پیدا کنند و برای عبادتی که غرض نهایی از خلقت است، مهیا شوند. بر این اساس، اذان از مصالح مهم مسلمین است (اشتহারدی، ۱۴۱۷: ۳۰۰/۱۴). بنابراین در مورد حکم فقهی ارتزاق یا اخذ اجرت مؤذن می‌توان گفت که اجماع بر حرمت اجرت و جواز ارتزاق وجود دارد؛ زیرا حکم استفاده از منابع بیت المال برای احیا و اقامه شعائر اسلامی شامل اذان گفتن می‌شود.

۲-۳. امام جماعت

باتوجه به جایگاه مهم و ارزشی و نقش ائمه جماعات در ایجاد وحدت بین مسلمانان، شایسته است که زندگی باعزتی داشته باشند. یکی از راه‌های تحقق این هدف، نحوه ارتزاق ایشان است.

حال آیا ائمه جماعات می‌توانند برای اقامه نماز اجرت بگیرند؟ با مراجعه به مذاهب اسلامی روشن می‌شود که این موضوع محل بحث بوده است.

الف) فقهای امامیه

۱. حرمت اخذ اجرت: فقهای شیعه به حرمت اخذ اجرت برای امام جماعت تصریح کرده‌اند (رک: علامه حلی، ۱۴۱۹: ۴۷۴/۲؛ شهید اول، ۱۴۱۷: ۷۲/۳؛ بحرانی، ۱۴۲۱: ۴۴۲؛ انصاری، ۱۴۱۵: ۱۵۱/۲). دلیل حرمت آن روایاتی است که در باب حرمت اخذ اجرت برای اذان گفتن وارد شده است (خوانساری، بی‌تا: ۵۶)؛ از جمله روایت امام باقر (ع) که از نماز خواندن پشت سر کسی که برای نماز اجرت می‌گیرد، نهی فرمود (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳۷۹/۲۷). شیخ انصاری نیز درباره دلیل حرمت می‌گوید که تحقق هر امر عبادی وابسته به نیت و اخلاص آن است و اخذ اجرت با قصد قربت منافات دارد (انصاری، ۱۴۱۰: ۹۱/۵).

۲. جواز اخذ اجرت: یکی از فقهای معاصر قائل به جواز اخذ اجرت است، زیرا در تحقق امامت، قصد امام برای اخذ اجرت معتبر نیست، چه برسد به قصد قربت (روحانی، ۱۴۲۹: ۲۸۲/۲). بنابراین اگر اخذ اجرت برای نماز نباشد، بلکه برای عناوین دیگر باشد [مثلاً جهت ایاب و ذهاب که خارج از امامت است]، دریافت پول جایز است و امامت تحقق پیدا می‌کند و در صورت برگزاری آن، نماز جماعت صحیح است (روحانی، ۱۴۱۲: ۵۰/۱۵). این قول شاذ و نادر است؛ زیرا بیشتر فقهای امامیه قائل به حرمت اخذ اجرت هستند. بنابراین برای ارتزاق امام جماعت باید به فکر منابع دیگر بود.

منابع فقهی گفته‌اند که امام جماعت باید با ارتزاق از بیت‌المال امور زندگی خود را بگذراند، چون ارتزاق امام جماعت از مصالح مهم مسلمین است. شهید ثانی ارتزاق امام جماعت (از

بیت المال) را از مصالح اسلام و مسلمین می‌داند. ضابطه و ملاک ایشان در ارتزاق، مصالح دینی است که این معیار در امام جماعت وجود دارد (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳۵۰/۱۳). ایشان در جایی دیگر بر این مطلب تأکید کرده و می‌گوید که از مصالح مسلمین، مساجد و ائمه جماعات مساجد این است که از بیت المال در این موارد مصرف می‌شود (همان: ۵۶/۳). محقق سبزواری امام جماعت را جزء ارتزاق کنندگان از بیت المال برشمرده (محقق سبزواری، ۱۴۲۳: ۶۶۵/۲-۶۶۶) و اردبیلی معتقد است بر جواز ارتزاق امام جماعت از بیت المال اجماع وجود دارد؛ زیرا بیت المال برای مصالح است (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۹۲/۸). بنابراین امام جماعت که یکی از ارکان مهم در احیای شعائر و آموزه‌های دینی و مصالح اسلام و مسلمین است، از بیت المال به صورت محترمانه ارتزاق می‌کند؛ البته امروزه مسلمانان و مأمومان مساجد به امام جماعات کمک می‌کنند تا زندگی با عزت داشته باشند.

ب) فقهای اهل سنت

با تفحص در منابع اهل سنت روشن می‌شود که فقهای اهل سنت درباره حکم این موضوع چند گروه شده‌اند:

۱. برخی طلب اجرت برای امام جماعت را کراهت می‌دانند و معتقدند امام جماعت نماز خود را می‌خواند و نباید طلب اجرت کند؛ زیرا منفعت آن مانند ساختن مساجد برای دیگران است. همچنین امام جماعت جانشین پیامبر در دعا کردن و امامت است و با توجه به آیه شریفه «ذَلِكَ الَّذِي يَبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا» (شوری: ۲۳)، کراهت دارد اجرت بگیرد (سرخسی، ۱۴۲۲: ۱۴۲/۱).

۲. برخی دیگر قائل به عدم جواز اخذ اجرت برای امام جماعت هستند؛ زیرا اصل آن است که عبادت اختصاص به مسلمان دارد و اجرت گرفتن برای آن جایز نیست. به باور این گروه، حتی برای نماز و روزه هم اخذ اجرت جایز نیست (حصکفی، ۱۴۲۸: ۹/۹۳).
۳. برخی دیگر فتوا به صحت و جواز اخذ اجرت برای امام جماعت داده‌اند (همان: ۹/۹۴).
۴. برخی قائل به تفصیل شده‌اند. شافعی معتقد است اخذ اجرت برای امامت نماز واجب، جایز نیست و حتی در نوافل هم باطل است. در مورد اخذ اجرت در نماز تراویح و سایر نوافل دو وجه دارد که قول صحیح نزد آنان، منع و عدم جواز است؛ زیرا امام جماعت نماز را برای خود می‌خواند (رک: علامه حلی، ۱۳۸۸: ۳۰۰).
- بنابراین در فتوای اهل سنت، اقوال متفاوت است و قول مشهور وجود ندارد. همچنین در منابع اهل سنت هیچ اشاره‌ای به بیت‌المال نشده، زیرا منبع مالی آن را کمک مالی مردم می‌دانند.

۳-۳. معلم قرآن

یکی از مصادیق شعائر دینی که در احیای آموزه‌های دینی اثرگذار است، تعلیم‌دهنده قرآن است. در ادامه حکم ارتزاق یا اجرت ایشان در مذاهب اسلامی رد بررسی می‌شود.

الف) فقهای شیعه

در فقه امامیه چهار قول درباره ارتزاق یا اجرت معلم قرآن مطرح شده است:

نخست: حرمت اخذ اجرت: قائلان این حکم ابوالصلاح حلبی (حلبی، ۱۴۰۳: ۲۸۳)، شمس‌الدین حلی (شمس‌الدین حلی، ۱۴۲۴: ۳۳۷) و فیض کاشانی (فیض کاشانی، بی تا: ۱۷۳) هستند. مجلسی روایت ناهی (کلینی، ۱۴۲۹: ۶۶۶/۹) را حمل بر کراهت کرده است (مجلسی،

۱۴۰۶:۳۵۵/۱۰. ادله حرمت ضعیف است، زیرا بسیاری از فقها به روایات حرمت عمل نکرده‌اند و روایات معارض دارد (حائری، ۱۴۱۸:۱۹۲/۸). بنابراین کلام مجلسی که حکم حرمت را مطابق قول مشهور می‌داند، صحیح نیست (فیض کاشانی، بی تا: ۱۷۳).

دوم: کراهت اخذ اجرت: برخی از فقها حکم به کراهت اخذ اجرت کرده‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۰: ۳۵۶/۱؛ ۱۴۱۱: ۹۴؛ ۱۴۱۳: ۶/۲؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴: ۹/۴). علامه حلی در تحریر الأحکام قائل به کراهت شدید است (علامه حلی، ۱۴۲۰: ۷۷/۳).

قائلان به این حکم دو دلیل برای سخن خود آورده‌اند.

۱. روایات: دلیل کراهت اجرت تعلیم قرآن نهی وارده در روایات است (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۱۶/۸)؛ از جمله اینکه امام صادق (ع) از گرفتن اجرت بابت تعلیم دادن نهی کرد (کلینی، ۱۴۲۹: ۶۶۶/۹) که تعلیم قرآن یکی از مصادیق آن است (مجلسی، ۱۴۰۶: ۳۵۵/۱۰). البته چون بسیاری از فقها حکم به حرمت نداده‌اند، کراهت استفاده می‌شود (همان: ۳۵۵/۱۰؛ ۱۴۰۴: ۸۲/۱۹). شهید اول در تبیین ملاک و معیار بحث معتقد است مقداری از تعلیم قرآن که اخذ اجرت برایش حرام است، مربوط به امور واجب عینی و کفایی است، اما اخذ اجرت بابت مازاد تعلیم واجبات قرآن و فقه کراهت دارد (شهید اول، ۱۴۱۷: ۷۲/۳، ۷۳). بر این اساس روایت (کلینی، ۱۴۲۹: ۶۶۶/۹) شامل تعلیم واجبات نماز و قرآن، مانند تعلیم سوره حمد، می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۶: ۳۵۵/۱۰).

همچنین فقها با نقل روایتی که طبق آن، امام علی (ع) از شخصی به خاطر دریافت اجرت در برابر تعلیم قرآن ناراحت بوده است (طوسی، ۱۳۹۰: ۶۵/۳؛ ۱۴۰۷: ۳۷۶/۶) حکم به کراهت اخذ اجرت کرده‌اند (فاضل آبی، ۱۴۱۷: ۴۴۲/۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۴: ۱۳۶/۱۲).

۲. اجماع: ابن ادریس حلی در این مسئله ادعای اجماع کرده است (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۲۲۳/۲). البته این اجماع پذیرفتنی نیست، زیرا مخالفانی دارد که برخی ادعای حرمت یا

جواز اخذ اجرت کرده‌اند. بنابراین در اخذ اجرت، قول کراهت صحیح است که بسیاری از علما آن را بیان کرده‌اند (حائری، ۱۴۱۸: ۱۹۲/۸) و مطابق با قول مشهور است (بحرانی، ۱۴۰۵: ۲۳۰/۱۸).

سوم: جواز اخذ اجرت: برخی از فقها حکم به جواز اخذ اجرت کرده‌اند (مفید، ۱۴۱۳: ۵۰۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۴: ۱۳۶/۱۲؛ خویی، ۱۴۱۸: ۳۲۵/۲)؛ زیرا تعلیم قرآن عمل محترم و ارزشمندی است که اخذ اجرت برای آن اشکال ندارد (روحانی، ۱۴۱۲: ۵۲/۱۵). خویی به روایت امام صادق (ع) استناد کرده (خویی، ۱۴۱۸: ۳۲۵/۲) که کسب معلم را مباح دانستند (کلینی، ۱۴۲۹: ۶۶۷/۹).

چهارم: ارتزاق از بیت‌المال: معلم قرآن از افرادی است که می‌تواند از بیت‌المال ارتزاق کند. فقهای امامیه نیز به این موضوع توجه داشته‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۴۲۲/۳؛ شهید اول، ۱۴۱۷: ۶۹/۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۲: ۲۳۹/۱؛ محقق سبزواری، ۱۴۲۳: ۶۶۶/۲)؛ زیرا ارتزاق ایشان از بیت‌المال جزء مصالح مهم به شمار می‌آید (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۴۲۲/۳). در تعلیم قرآن بین واجب عینی و کفایی فرقی نیست، بدین جهت اخذ اجرت حرام است و باید از بیت‌المال ارتزاق کنند (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳۵۰/۱۳). بنابراین بر معلم قرآن و تعلیم‌دهنده آداب اسلامی جایز است از بیت‌المال ارتزاق کند؛ زیرا بیت‌المال برای مصالح و منافع مسلمین است و این از جمله آن مصالح است (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۲۵/۱۰). شهید ثانی معتقد است از جمله مصالح اسلام که روزی آنان از محل بیت‌المال تأمین می‌شود، معلم پرورشی، آموزگار علوم عربی، معلم اخلاق و معلم قرآن است؛ البته در تعلیم قرآن فرقی بین تعلیم واجبات (مثل یاد دادن سوره حمد) و مستحبات یا حفظ اعداد و آیات سور دیگر نیست، زیرا همه از مصالح است (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳۵۰/۱۳). وی در الروضه بر ارتزاق معلم قرآن از بیت‌المال تصریح کرده است (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۱۷/۳). محقق سبزواری اصحاب، فقها، معلم قرآن و آموزگار پرورشی و حکمت را از ارتزاق کنندگان بیت‌المال برشمرده است (محقق سبزواری، ۱۴۲۳: ۶۶۵-۶۶۶).

مستند این حکم روایاتی است که بر تکریم و بزرگداشت معلم و قاری قرآن تأکید کرده است (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۶۵/۳)؛ از جمله اینکه پیامبر (ص) فرمود: «اهل قرآن پس از پیامبران و فرستادگان دارای جایگاه خوب و برترند، پس اهل قرآن و حقوق آنان را کوچک و اندک نشمارید؛ زیرا آنان از جانب خدا دارای جایگاهی برترند» (کلینی، ۱۴۲۹: ۶۰۴/۴). همچنین از عبارت فقها که گذشت استفاده می‌شود که ارتزاق از بیت‌المال برای معلم قرآن جایز است؛ چون از مصالح مسلمین شمرده می‌شود. از آنجا که لازم است احترام معلم و قاری قرآن حفظ شود، شایسته است از بیت‌المال ارتزاق کنند تا حقیر و کوچک شمرده نشوند.

ب) فقه‌های اهل سنت

در منابع اهل سنت به موضوع معلم قرآن و اجرت ایشان توجه شده و اقوال مختلفی صادر شده است.

۱. جواز اخذ اجرت: برخی از فقها مانند عطاء، الحکم و مالک، حکم به جواز اخذ اجرت برای تعلیم قرآن داده‌اند (البغوی، ۱۴۰۰: ۲۶۸/۸). شافعی اخذ اجرت برای تعلیم قرآن را اجازه داده است بدون اینکه برای گرفتن آن شرط گذاشته باشد (ترمذی، ۱۴۱۹: ۱۶۷/۴). براین اساس این فتوا قول جمهور علما است.
- قائلان آن به روایت نبوی استناد کرده‌اند که فرمود: «شایسته و سزاوارترین چیزی که می‌توانید با آن اجرت بگیرید، کتاب خداوند است» (بخاری، ۱۴۱۰: ۱۳۷/۹). بغوی در توجیه این حکم می‌گوید که قرآن و فقه از افعال مباح هستند، به این جهت اخذ اجرت برای امر مباح و پاک، جایز است (البغوی، ۱۴۰۰: ۲۶۸/۸).
۲. عدم جواز اخذ اجرت: برخی همچون الزهری، ابوحنیفه و اسحاق اخذ اجرت را مباح و جایز نمی‌دانند (البغوی، ۱۴۰۰: ۲۶۸/۸) و به روایت عبادة بن صامت استناد کرده‌اند که گفته

است: «من به تعدادی از اهل صفة قرآن یاد دادم؛ یکی از آن مردان کمانی را به من هدیه داد و من با خود گفتم: کالای زیاد با ارزشی هم نیست، خوب است در راه خداوند با آن تیراندازی می‌کنم. پیش رسول خدا (ص) رفتم و حکم آن را پرسیدم. حضرت فرمود: اگر می‌خواهی با گردنبندی از آتش بسته شوی (آن هدیه را قبول کن)» (ابوداود، ۱۴۲۰: ۱۴۸۳/۳).

۳. تفصیل: گرفتن اجرت تنها در صورتی که شرط نکرده باشند، جایز است و در غیر این صورت جایز نیست؛ این قول الحسن، ابن سیرین و الشعبی است (البغوی، ۱۴۰۰: ۲۶۸/۸). البته تفصیل دیگر به این شکل بیان شده که اگر میان مسلمانان کسی برای تعلیم قرآن نباشد، اخذ اجرت جایز است و گرنه جایز نیست (همان). بنابراین در منابع فقهی اهل سنت، اخذ اجرت برای تعلیم قرآن جایز است و اقوال دیگر ضعیف‌اند. در این منابع به موضوع ارتزاق معلم قرآن از منابع بیت‌المال اشاره نشده است.

۴. نتیجه

۱. در مورد حکم فقهی ارتزاق و اخذ اجرت مؤذن اقوال مختلفی میان فقهای فریقین مطرح شده است:
- الف) کراهت طلب اجرت: این قول در میان فقهای امامیه ضعیف است، اما برخی از فقهای اهل سنت حکم به کراهت داده‌اند.
- ب) حرمت طلب اجرت: اکثر فقهای امامیه و فقهای اهل سنت قائل به حرمت اخذ اجرت هستند.
- ج) جواز طلب اجرت: در میان فقهای امامیه کسی قائل به جواز اخذ اجرت برای اذان گفتن نشده است، اما در میان اهل سنت، برخی همچون مالک و شافعی، قائل به جواز آن شده‌اند.
- د) تفصیل: قول تفصیل را فقهای اهل سنت مطرح کرده‌اند که دو حالت دارد:

نخست: برای امام و کسی که امام مشخص کرده، اخذ اجرت برای اذان گفتن جایز است، اما برای دیگران جایز نیست؛

دوم: اخذ اجرت برای اذانی که به قصد اعلام وقت باشد، جایز است.

هـ) جواز ارتزاق از بیت المال: فقهای امامیه و اهل سنت ارتزاق مؤذن از بیت المال را جایز می دانند.

۲. حکم فقهی ارتزاق و اخذ اجرت برای امام جماعت میان مذاهب فقهی محل بحث بوده است:

الف) فقهای امامیه دو قول را بیان کرده اند:

نخست: حرمت اخذ اجرت: فقهای شیعه تصریح به حرمت اخذ اجرت برای امام جماعت کرده اند؛

دوم: جواز اخذ اجرت: یکی از فقهای معاصر قائل به جواز اخذ اجرت است، در حالی که اکثر فقهای امامیه قائل به حرمت اخذ اجرت هستند.

ب) فتوای فقهای اهل سنت درباره اخذ اجرت متفاوت است و قول مشهور وجود ندارد. همچنین در منابع ایشان هیچ اشاره ای به ارتزاق امام جماعت از بیت المال نشده؛ زیرا منبع آن را کمک مالی مردم می دانند.

۳. حکم ارتزاق و اجرت معلم قرآن در نگاه فریقین به این صورت است:

الف) فقهای شیعه قائل به حرمت اخذ اجرت هستند و حکم به جواز اخذ اجرت و ارتزاق از بیت المال داده اند؛

ب) در منابع فقهی اهل سنت، اخذ اجرت برای تعلیم قرآن جایز است و به بحث ارتزاق معلم قرآن از منابع بیت المال اشاره نشده است.

کتاب نامه

- قرآن کریم
- ابن ادريس حلی، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۹)، السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا)، التحرير والتنوير، بی جا.
- ابن فهد حلی، جمال الدين احمد بن محمد اسدی (۱۴۰۷)، المهذب البارع فی شرح المختصر النافع، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع، دارصادر.
- ابوداود، سلیمان بن اشعث (۱۴۲۰)، سنن أبی داود، قاهره: دارالحديث، چاپ اول.
- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳)، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- اشتهاردی، علی پناه (۱۴۱۷)، مدارک العروة، تهران: دار الأسوة للطباعة و النشر، چاپ اول.
- انصاری، مرتضی بن محمد (۱۴۱۵)، کتاب المکاسب، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- _____ (۱۴۱۰)، کتاب المکاسب (المحشی)، قم: مؤسسه مطبوعاتی دارالکتاب، چاپ سوم.
- بحرانی، حسین بن محمد آل عصفور (۱۴۲۱)، سداد العباد و رشاد العباد، قم: کتابفروشی محلاتی، چاپ اول.
- _____ (بی تا)، الأنوار اللوامع في شرح مفاتيح الشرائع (للفيض)، قم: مجمع البحوث العلمية، چاپ اول.
- بحرانی، یوسف بن احمد آل عصفور (۱۴۰۵)، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۰)، صحيح البخاری، قاهره: وزارة الاوقاف، لجنة إحياء كتب السنة، قاهره، چاپ دوم.
- البغوی، الحسين بن مسعود (۱۴۰۰)، شرح السنه، بیروت: المكتب الاسلامی، چاپ اول.

- بیهقی، ابی بکر أحمد بن الحسین (۱۴۳۱)، السنن الكبرى، بیروت: دار الفکر.
- ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۱۹)، الجامع الصحیح وهو سنن الترمذی، قاهره: دار الحدیث، چاپ اول.
- جمعی از پژوهشگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت، ۱۴۲۶ ق.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، تسنیم، قم: نشر اسراء.
- حائری، سید علی بن محمد طباطبایی (۱۴۱۸)، ریاض المسائل، قم: مؤسسه آل البيت.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعة، قم، چاپ اول.
- _____ (۱۴۱۲)، هداية الأمة إلى أحكام الأئمة - منتخب المسائل، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، چاپ اول.
- حسینی عاملی، سید جواد بن محمد (۱۴۱۹)، مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- حصکفی، محمد بن علی (۱۴۲۸)، رد المحتار علی الدر المختار (حاشیه ابن عابدین)، بیروت: دار المعرفه، چاپ دوم.
- حقی بروسوی، اسماعیل (بی تا)، تفسیر روح البیان، بیروت: دار الفکر.
- حکیم، سید محسن طباطبایی (۱۴۱۶)، مستمسک العروة الوثقی، قم: مؤسسه دار التفسیر، چاپ اول.
- حلبی، ابوالصلاح تقی الدین بن نجم الدین (۱۴۰۳)، الکافی فی الفقه، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین (ع)، چاپ اول.
- خوانساری، محمد امامی (بی تا)، الحاشیة الثانية علی مکاسب، چاپ اول.
- خویی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۱۸)، فقه الشیعة - کتاب الطهارة، قم: مؤسسه آفاق، چاپ سوم.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- روحانی، سید صادق حسینی (۱۴۱۲)، فقه الصادق (ع)، قم: دار الکتاب - مدرسه امام صادق، چاپ اول.
- _____ (۱۴۲۹)، منهاج الفقاهة، قم: انوار الهدی، چاپ پنجم.

حکم فقہی ارتزاق و اخذ اجرت در احیای شعائر دینی از منظر مذاهب فقہی / ۱۴۹

- الزحیلی، وھبہ (۱۴۳۱ق)، موسوعہ الفقہ الاسلامی و القضايا المعاصره، دمشق: دار الفکر، چاپ اول.
- سبزواری، سید عبدالاعلیٰ (۱۴۱۳)، مہذب الأحکام، قم: مؤسسہ المنار، چاپ چہارم.
- سرخسی، ابی بکر محمد بن احمد (۱۴۲۲)، المبسوط، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
- سیوطی، جلال الدین (۱۳۴۸)، سنن النسائی، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ اول.
- شافعی، محمد بن ادريس (۱۴۲۶)، الام، بیروت: دار ابن حزم، چاپ اول.
- شوکانی، محمد بن علی بن محمد (۱۴۱۹)؛ نیل الاوطار من اسرار منتفی الاخبار، بیروت: دار الکلم الطیب، چاپ اول.
- شہید اول، محمد بن مکی عاملی (بی تا)، القواعد و الفوائد، قم: کتابفروشی مفید، چاپ اول.
- _____ (۱۴۱۹)، ذکرى الشيعة فى أحكام الشريعة، قم: مؤسسہ آل البيت (ع)، چاپ اول.
- _____ (۱۴۱۰)، اللمعه دمشقيه فى فقہ الاماميه، بیروت: دار التراث - الدار الإسلاميه.
- _____ (۱۴۱۷)، الدروس الشرعية فى فقہ الإمامية، قم: دفتر انتشارات اسلامى، چاپ دوم.
- شہید ثانی، زین الدین بن علی عاملی (۱۴۱۳)، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم: مؤسسہ المعارف الإسلاميه.
- _____ (۱۴۱۰)، الروضه البهيہ فى شرح اللمعه دمشقيه، قم: کتابفروشی داوری.
- شمس الدین حلّی، محمد بن شجاع القطان (۱۴۲۴)، معالم الدین فى فقہ آل یاسین، قم: مؤسسہ امام صادق (ع)، چاپ اول.
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۷)، المیزان فى تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامى جامعہ مدرسین حوزہ علمیه قم، چاپ پنجم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فى تفسیر القرآن، تحقیق و مقدمہ محمد جواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۹۰)، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران: دار الکتب الإسلاميه، چاپ اول.

- _____ (١٤٠٧ الف)، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- _____ (١٤٠٧ ب)، تهذیب الأحكام، تحقیق خرسان، تهران، چاپ چهارم.
- _____ (١٣٨٧)، المبسوط فی فقه الإمامیة، تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة،
چاپ سوم.
- _____ (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق و مقدمه آقابزرگ تهرانی و تحقیق احمد
قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (١٤١٠)، إرشاد الأذهان إلى أحكام الإیمان، دفتر انتشارات
اسلامی، چاپ اول.
- _____ (١٤١١)، تبصرة المتعلمین فی أحكام الدین، تهران: مؤسسه چاپ و نشر، چاپ اول.
- _____ (١٤٢٠)، تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیة، قم: مؤسسه امام صادق (ع)،
چاپ اول.
- _____ (١٣٨٨)، تذكرة الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول.
- _____ (١٤١٤)، تذكرة الفقهاء (ط - الحدیثة)، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
- _____ (١٤١٣)، قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، قم: دفتر انتشارات اسلامی،
چاپ اول.
- _____ (١٤١٢)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة،
چاپ اول.
- _____ (١٤١٩)، نهایة الإحكام فی معرفة الأحكام، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول.
- علی نیا خطیر، نادعلی (١٣٩٠)، «حاكم اسلامی و اقامه شعائر دینی»، حکومت اسلامی، سال شانزدهم،
شماره سوم، پیاپی ٦١.
- العمرانی الشافعی، یحیی بن ابی الخی (١٤٢٨)، البیان فی مذهب الامام الشافعی، بیروت: دار المنهاج،
چاپ دوم.

حکم فقهی ارتزاق و اخذ اجرت در احیای شعائر دینی از منظر مذاهب فقهی / ۱۵۱

- فاضل آبی، حسن بن ابی طالب یوسفی (۱۴۱۷)، کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سوم.
- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶)، کشف اللثام والإبهام عن قواعد الأحكام، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم، چاپ دوم.
- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۲۹)، معتصم الشیعة فی أحكام الشریعة، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری، چاپ اول.
- _____ (بی تا)، مفاتیح الشرائع، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول.
- القاری، شیخ علی بن سلطان محمد (۱۴۲۲)، مرآة المفاتیح، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول.
- الکاسانی الحنفی (الکاشانی)، علاء الدین ابی بکر بن مسعود (۱۴۱۷)، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، بیروت: دار الفکر، چاپ اول.
- کاشانی، ملا فتح الله (۱۴۲۳)، زبدة التفاسیر، تحقیق بنیاد معارف اسلامی، قم: بنیاد معارف اسلامی، چاپ اول.
- کاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالکی نجفی (۱۴۲۲)، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء (ط - الحدیثة)، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۲۹)، الکافی، قم: دار الحدیث، چاپ اول.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۶)، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول.
- _____ (۱۴۰۴)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ دوم.
- محقق حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
- _____ (۱۴۱۸)، المختصر النافع فی فقه الإمامیه، مؤسسه المطبوعات الدینیة.

- محقق سبزواری، محمدباقر (١٤٢٣)، کفایة الأحكام، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- محقق کرکی، علی بن حسین عاملی (١٤١٤)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ دوم.
- المنزی، اسماعیل بن یحیی (١٤٢٥)، مختصر کتاب الام الشافعی، بیروت: دار المعرفه، چاپ اول.
- المغربي، قاضی علامه حسین محمد (١٤٢٦)، البدر التمام، بیروت: دار الوفاء للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ دوم.
- مفید، محمد بن محمد (١٤١٣)، المقنعة، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول.
- موسوی عاملی، محمد بن علی (١٤١١)، مدارک الأحكام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، بیروت: مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول.
- میبدی، رشیدالدین احمد بن ابی سعد (١٣٧١)، كشف الأسرار و عدة الأبرار، تحقیق علی اصغر حکم، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ پنجم.
- نجفی، محمد حسن (١٤٥٤)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (١٤١٧)، عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحكام، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- نسائی، احمد بن علی (١٤١١)، السنن الكبرى، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول.
- هویدی بغدادی، محمد (بی تا)، التفسیر المعین للواعظین و المتعظین، قم: انتشارات ذوی القربی، چاپ اول.